



پیام کورش مدرسی لیدر حزب اول مه روز اتحاد، روز اعلام جرم طبقه کارگر علیه سرمایه داری!

کارگران جهان اعلام میکند که دیگر بس است! سرمایه داری بس سرنوشت انسانها را از کف است! استثمار بس است! سرمایه و بازار در آورد و آن بردگی مزدی بس است! را به خود انسان برگرداند. سراسر جهان اعلام میکند انقلاب اقتصادی بس است! اول مه روز جهانی که خود را میشناسد و دشمن بشر باید آزاد باشد. بشر باید سوسیالیسم، روز جهانی خود را هم خوب میشناسد. بتواند از نعمات زندگی که برابری انسانها، روز کمونیسم اول مه طبقه کارگر در سراسر خود خالق آن است برخوردار است.

صفحه ۴

انتخابات بعد از جمهوری اسلامی

صفحه ۳

تحریکات قومی موقوف!

صفحه ۳

کنگره سوم حزب کمونیست کارگری عراق در بغداد برگزار شد

در ضمیمه کمونیست ۳۶ منتشر خواهد شد

تنها راه کوتاه کردن دست قوم پرستان از سر مردم سرنگونی جمهوری اسلامی است

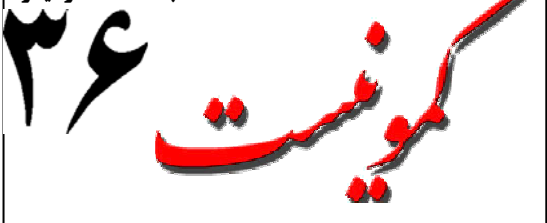
گفتگو با کورش مدرسی

در مورد رویدادهای اخیر در خوزستان

کمونیست: بخشنامه مربوط به محدودیت ترکیب جمعیتی محلی و استفاده از نامهای فارسی، تحریکات خارجی، تعلقات ریشه دار ملی از جمله فاکتورهایی است که ذکرش می رود. به عقیده شما کدامیک مردم را به چنان کمکشی با رژیم کشاند؟

کورش مدرسی: مهمترین عامل وجود جمهوری اسلامی است. یک رژیم جنایتکار که مردم خواهان سرنگونی آن هستند. مردم این رژیم را نمیخواهند و هر اعتراضی به رو در روئی با نیروهای رژیم تبدیل میشود. در این متن همه جنبش های سیاسی و اجتماعی به حرکت در آمده اند و تلاش میکنند که تا افاق و آرمان جنبش خود را در مقابل مردم قرار دهند و به اصطلاح مردم را به زیر پرچم خود جمع آورند. یکی از این جنبشها، حرکت قوم پرستی عرب است که تلاش میکند برای شریک شدن در قدرت در ایران مردم عرب در خوزستان به زیر پرچم خود بکشد. اینها نه کسی را علیه سنگسار به خیابان دعوت میکنند، نه برای آزادی بیان مردم را "تحریک" میکنند و نه برای هیچ یک از آزادی های دیگر انسانی. قوم پرستان این موضوعات را به خود مربوط میدانند و واقعا هم به آنها مربوط نیست. حقوق و آزادی های انسانی ربطی به قوم پرستی ندارد. در نتیجه بر متن نارضایتی مردم از جمهوری اسلامی و تبلیغات

صفحه ۴



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۲ دیبیهشت ۱۳۸۴ - ۲۲ آوریل ۲۰۰۵

www.hekmatist.com

سردبیر: اعظم کم گویان



fateh_sh@yahoo.com

بر قله کوهی از تناقضات!

اوضاع عراق و ریاست
جمهوری جلال طالبانی

فاتح شیخ

با واگذاری پست رئیس جمهوری عراق به جلال طالبانی، از دو هفته پیش ارکستر مدیای غرب و مدیای دارودسته های حاکم بر عراق تبلیغات وسیعی پیا پیا کرده اند که گویا پروسه دمکراسی و دولت سازی در عراق براه افتاده است. بوق و کرنا که گویا ناسیونالیسم کرد پیروزی بزرگی کسب کرده است! گویا با اتفاقی که افتاده توازن قوا به نفع مردم کرد زبان تغییر کرده است! و گویا این مردم، حتی بی توجه به نفع و ضرر مساله، به صرف رئیس جمهور شدن یک "کرد" در عراق باید به خود بالند و بزنند و برقصدند!

چرا؟ چون دارودسته هایی که در باد سیاست آمریکا، در سایه جنگ و اشغال آمریکا و به زور میلیشیا و تحمیل و فریب، بر گرده بخشهایی از مردم سوار شده اند، میخواهند قومگیری خود، اسلامگیری خود و عشیره گری خود را به یاری هم! بصورت پایدارتری بر جامعه تحمیل کنند. میخواهند جامعه تقسیم شده به طبقات را یک بار دیگر بر اساس مذهب و قومیت و طایفه هم تقسیم میکنند. میخواهند مهر هویت شیعه، سنی، عرب، کرد، ترکمان، آشوری، کلدانی و غیره و غیره بر پیشانی شهروندان جامعه بکوبند. میخواهند مفاهیم انسان، طبقه، کارگر، سرمایه دار، شهروند، زن،

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

پشت سر بگذارد. در درون خود ائتلاف شیعه بر سر وزارت کشور نزاع است. تازه ایاد علاوی هم سهمش را میخواهد و مشخصا بر وزارت "امنیت" یا میفشارد (و حمایت سیا را هم پشت خود دارد). تازه احزاب اسلامی "سنی" و کهنه بعثی ها که در انتخابات هم شرکت نکرده اند یا اینحال ناگزیرند آنها را در "پروسه دموکراسی و دولت سازی" شریک کنند دو پست از وزارتخانه های اصلی را طلب میکنند!

یکشنبه آتی "پارلمان" به نتیجه برسد. همه میدانند که رئیس منطقه شدن بارزانی که رهبری اتحادیه میهنی به اجبار توازن قوا به آن تن داده است، سرآغاز وحدت دو حزب رقیب نیست، برعکس میتواند سرآغاز حاد شدن جدال همیشگی شان باشد. همه میدانند که این پست به معنی ریاست و رهبری جنبش ناسیونالیسم کرد است و این جنبش بخاطر کاراکتر عشیره ای اش در طول نیم قرن گذشته هرگز نتوانسته به رهبری واحد دست یابد و امروز هم نمیتواند این معضل جز از راه جنگ و شکست کامل یک طرف قابل "حل" نیست. مردم عادی در کردستان میدانند و نگرانند که مهمات از سرگیری جنگ میان دو حزب رقیب، که سالهاست دو حکومت جداگانه، دو بوروکراسی، دو سیستم چابیدن ثروت جامعه و فساد اداری و مالی در دو بخش کردستان شکل داده اند، با رئیس جمهور شدن جلال طالبانی و متعاقب آن رئیس منطقه شدن مسعود بارزانی از گذشته قابل انفجارتر شده است.

در سطح سراسری عراق، واقعیات دو هفته گذشته فقط این را اثبات میکنند که هیچ بخشی از بورژوازی طرحی کارآمد برای شکل دادن به دولتی که بتواند اتوریته اش را به سراسر کشور بگستراند و از این راه طبقه حاکمه را "متحد" کند در دست ندارد. هیچیک از ایدئولوژیهای در صحنه این خاصیت را ندارند

اما دارای حد اکثر خاصیت متفرق کنندگی و جنگ و جدال برپاکنی هستند. اسلام سیاسی منقسم به دو بخش "شیعه" و "سنی"، ناسیونالیسم کرد منقسم به دو حزب سنتا رقیب، عشیره گری و فساد اداری و مالی تعمیم یافته در نهادهای حکومتی، همه و همه بانی بی ثباتی بیشتر و تزلزل دائمی تر در بطن "دولت" سرهمبندی شده کنونی عراق هستند. نیمچه دولت های بی ثباتی که پشت سر هم خواهند آمد تنها امکان "دولت سازی" است که به روی این دارودسته های متنازع و "موتلف" باز است.

بنابراین کرسی ریاست جمهوری عراق که جلال طالبانی از دو هفته پیش بر آن نشسته است، نه بر راس یک دولت به معنی معمولی و امروزی، بلکه بر قله کوهی از تناقضات گذاشته شده است. برگزیده شدن رهبر یکی از دو حزب رقیب ناسیونالیست کرد بعنوان رئیس جمهور عراق برآیند مجموعه ای از توافقات و ائتلافات شکننده است که قبل از مهر و امضای طرف های مربوطه، مهر ناپایداری و شکست به آن خورده است. علاوه بر این، "دولت مستعجل" طالبانی و جعفری با سد مبارزات آزادیخواهانه مردم عراق، با جنبش رو به اعتدالی کمونیسم و کارگر، با جنبش برابری طلبی زن و مرد و با واقعیات یک جامعه مدرن روبرو است که بر حاکمیت قوانین شریعت و تحمیل قومیت و مذهب بر ساختار

سیاسی جامعه از پیش مهر باطل زده است. در کردستان که ظاهرا ثبات سیاسی بیشتری دارد، بی ثباتی دارد در دل همین "توافقات" جوانه میزند و رشد میکند. مسخره ترین صحنه سیاست امروز عراق اینست که رئیس جمهور آن که قاعدتا باید مظهر "وحدت ملی" در سطح سراسری عراق باشد، رهبر شاخه ای از ناسیونالیسم کرد است که نتوانسته و نمیتواند وحدت را در سطح همین جنبش ملی کرد تامین کند!

برای جنبش ناسیونالیسم کرد، رئیس جمهور شدن رهبر یکی از شاخه هایش جای هیچ افتخاری نیست. زیرا این از راه اتحاد با ارتجاعی ترین جریان موجود در صحنه سیاسی عراق یعنی اسلام سیاسی آنهم بخش مرتبط و متصل به جمهوری اسلامی بدست آمده است. این نهایت راه بی افتخاری است که این جنبش بورژوازی-عشیره ای طی چهار دهه گذشته پیموده است. این سرمنزل مسیر بند و بست از بالای سر مردم کردستان و علیه منافع آنان با نیروهای ارتجاعی جهانی و منطقه ای و داخل عراقی است که جنبش ملی کرد (کردایتی) از چهار دهه پیش، از زمان جنبش ملا مصطفی بارزانی در اوائل دهه ۶۰ میلادی و بویژه از جنگ خلیج تاکنون دنبال آن بوده است. اما در همین دو هفته تحولات دیگری هم در صحنه سیاست عراق اتفاق افتاده که نشان

نامنی بیشتر و بیشتر شده است، ایاد علاوی روز چهارشنبه و یکی از اعضای مجلس سه شنبه از ترور جان سالم بدر بردند ولی جنازه دهها نفر دیگر در شمال بغداد کشف شد. درگیریهایی روزانه ادامه دارد. طالبانی پیشنهاد کرده که میلیشایی احزاب ناسیونالیست کرد و "سپاه بدر" وارد عملیات شوند و همه میدانند این شلیک تیر جنگهای داخلی متقاطع بین ناسیونالیستهای کرد و قومسیون عرب و اسلاميون شیعه و سنی و باقیمانده نیروهای مسلح رژیم بعث خواهد بود.

در منطقه کردستان "توافق" بر یکی کردن دو کابینه حکومتی اربیل و سلیمانیه که اول دسامبر ۲۰۰۴ امضاء شده روی کاغذ مانده است. آخرین نشست دفتر سیاسی دو طرف در چهارشنبه فقط توانست بر سر رسمیت دادن به پست ریاست منطقه کردستان برای مسعود بارزانی در نشست

برای آینده جامعه باشد. اول مه امسال باید روز قرار گرفتن رهبران کارگری در مقابل جامعه، روز شناساندن و عروج رهبران کمونیست کارگران

باشد. اول مه امسال باید حمل قدرتمند کردن شبکه های کمونیستی کارگران باشد. برای تحقق این اهداف باید تلاش کرد که بزرگترین و متعددترین تجمعات اول مه را در سراسر ایران سازمان دهیم، باید سخنگوی آرمان کمونیستی کارگری در مقابل کل جامعه شد، باید حمل متحد شدن شبکه ها و رهبران کارگری شد، باید مجامع عمومی کارگری را در هر کارگاه و کارخانه به مناسبت اول مه تشکیل داد. باید به با حزب تان،

برای آینده جامعه باشد. اول مه امسال باید روز قرار گرفتن رهبران کارگری در مقابل جامعه، روز شناساندن و عروج رهبران کمونیست کارگران باشد. اول مه امسال باید حمل قدرتمند کردن شبکه های کمونیستی کارگران باشد. برای تحقق این اهداف باید تلاش کرد که بزرگترین و متعددترین تجمعات اول مه را در سراسر ایران سازمان دهیم، باید سخنگوی آرمان کمونیستی کارگری در مقابل کل جامعه شد، باید حمل متحد شدن شبکه ها و رهبران کارگری شد، باید مجامع عمومی کارگری را در هر کارگاه و کارخانه به مناسبت اول مه تشکیل داد. باید به با حزب تان،

برای آینده جامعه باشد. اول مه امسال باید روز قرار گرفتن رهبران کارگری در مقابل جامعه، روز شناساندن و عروج رهبران کمونیست کارگران باشد. اول مه امسال باید حمل قدرتمند کردن شبکه های کمونیستی کارگران باشد. برای تحقق این اهداف باید تلاش کرد که بزرگترین و متعددترین تجمعات اول مه را در سراسر ایران سازمان دهیم، باید سخنگوی آرمان کمونیستی کارگری در مقابل کل جامعه شد، باید حمل متحد شدن شبکه ها و رهبران کارگری شد، باید مجامع عمومی کارگری را در هر کارگاه و کارخانه به مناسبت اول مه تشکیل داد. باید به با حزب تان،

برای آینده جامعه باشد. اول مه امسال باید روز قرار گرفتن رهبران کارگری در مقابل جامعه، روز شناساندن و عروج رهبران کمونیست کارگران

باشد. اول مه امسال باید حمل قدرتمند کردن شبکه های کمونیستی کارگران باشد. برای تحقق این اهداف باید تلاش کرد که بزرگترین و متعددترین تجمعات اول مه را در سراسر ایران سازمان دهیم، باید سخنگوی آرمان کمونیستی کارگری در مقابل کل جامعه شد، باید حمل متحد شدن شبکه ها و رهبران کارگری شد، باید مجامع عمومی کارگری را در هر کارگاه و کارخانه به مناسبت اول مه تشکیل داد. باید به با حزب تان،

برای آینده جامعه باشد. اول مه امسال باید روز قرار گرفتن رهبران کارگری در مقابل جامعه، روز شناساندن و عروج رهبران کمونیست کارگران باشد. اول مه امسال باید حمل قدرتمند کردن شبکه های کمونیستی کارگران باشد. برای تحقق این اهداف باید تلاش کرد که بزرگترین و متعددترین تجمعات اول مه را در سراسر ایران سازمان دهیم، باید سخنگوی آرمان کمونیستی کارگری در مقابل کل جامعه شد، باید حمل متحد شدن شبکه ها و رهبران کارگری شد، باید مجامع عمومی کارگری را در هر کارگاه و کارخانه به مناسبت اول مه تشکیل داد. باید به با حزب تان،

برای آینده جامعه باشد. اول مه امسال باید روز قرار گرفتن رهبران کارگری در مقابل جامعه، روز شناساندن و عروج رهبران کمونیست کارگران باشد. اول مه امسال باید حمل قدرتمند کردن شبکه های کمونیستی کارگران باشد. برای تحقق این اهداف باید تلاش کرد که بزرگترین و متعددترین تجمعات اول مه را در سراسر ایران سازمان دهیم، باید سخنگوی آرمان کمونیستی کارگری در مقابل کل جامعه شد، باید حمل متحد شدن شبکه ها و رهبران کارگری شد، باید مجامع عمومی کارگری را در هر کارگاه و کارخانه به مناسبت اول مه تشکیل داد. باید به با حزب تان،

برای آینده جامعه باشد. اول مه امسال باید روز قرار گرفتن رهبران کارگری در مقابل جامعه، روز شناساندن و عروج رهبران کمونیست کارگران

باشد. اول مه امسال باید حمل قدرتمند کردن شبکه های کمونیستی کارگران باشد. برای تحقق این اهداف باید تلاش کرد که بزرگترین و متعددترین تجمعات اول مه را در سراسر ایران سازمان دهیم، باید سخنگوی آرمان کمونیستی کارگری در مقابل کل جامعه شد، باید حمل متحد شدن شبکه ها و رهبران کارگری شد، باید مجامع عمومی کارگری را در هر کارگاه و کارخانه به مناسبت اول مه تشکیل داد. باید به با حزب تان،

برای آینده جامعه باشد. اول مه امسال باید روز قرار گرفتن رهبران کارگری در مقابل جامعه، روز شناساندن و عروج رهبران کمونیست کارگران باشد. اول مه امسال باید حمل قدرتمند کردن شبکه های کمونیستی کارگران باشد. برای تحقق این اهداف باید تلاش کرد که بزرگترین و متعددترین تجمعات اول مه را در سراسر ایران سازمان دهیم، باید سخنگوی آرمان کمونیستی کارگری در مقابل کل جامعه شد، باید حمل متحد شدن شبکه ها و رهبران کارگری شد، باید مجامع عمومی کارگری را در هر کارگاه و کارخانه به مناسبت اول مه تشکیل داد. باید به با حزب تان،

برای آینده جامعه باشد. اول مه امسال باید روز قرار گرفتن رهبران کارگری در مقابل جامعه، روز شناساندن و عروج رهبران کمونیست کارگران باشد. اول مه امسال باید حمل قدرتمند کردن شبکه های کمونیستی کارگران باشد. برای تحقق این اهداف باید تلاش کرد که بزرگترین و متعددترین تجمعات اول مه را در سراسر ایران سازمان دهیم، باید سخنگوی آرمان کمونیستی کارگری در مقابل کل جامعه شد، باید حمل متحد شدن شبکه ها و رهبران کارگری شد، باید مجامع عمومی کارگری را در هر کارگاه و کارخانه به مناسبت اول مه تشکیل داد. باید به با حزب تان،

تلویزیون پرتو

برنامه های پرتو روزهای چهارشنبه ساعت ۷:۳۰ تا ۸:۳۰ شب به وقت تهران (۵ تا ۶ بعدازظهر به وقت اروپای مرکزی و ۸ تا ۹ صبح به وقت امریکای غربی) از شبکه کانال یک روی ماهواره تکه استار ۱۲ پخش میشود. این برنامه پنجشنبه ها ساعت ۷:۳۰ تا ۸:۳۰ صبح تهران مجددا پخش میشود.

برنامه پرتو را روی سایت آن نیز قابل مشاهده است: <http://www.hekmatist.com/parto/>

به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست پیوندید

تحریکات قومی موقوف!

روزهای ۲۶ و ۲۷ فروردین جریانات اسلامی و قومی در خوزستان دست به اقدامی جنایتکارانه علیه مردم آن منطقه زدند. شایعه "کاهش جمعیت عرب زبان خوزستان توسط رژیم بهانه ای شد تا جریانات ارتجاعی قومی و مذهبی جو تفاق و کینه را دامن زده و با تحریکات و تحمیق قومی تعدادی از مردم را به یک رودروئی قومی مذهبی کشانند. در این رویداد چندین نفر کشته و دهها نفر زخمی و دستگیر میشوند. سران رژیم اسلامی این رویداد را در رسانه های دولتی بعنوان "اعتشاش قوم عرب" قلمداد کردند و جریانات ناسیونالیست ایرانی هم عرق ضد عرب شان گل کرد و به

آمده تدارک میبندند. دارند ظرفیت فاشیسم قومی را تست میکنند. دارند مهمات جنگهای قومی را تدارک میبندند. دارند مردم را به جان هم میندازند تا رژیم اسلامی را از خطر مرگ محتوم نجات دهند. باید با نیروی متحد و با پرچم آزادی و برابری و سرنگونی رژیم اسلامی بساط تمامی این

انتخابات بعد از جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی خود را برای مضحکه دیگری به نام "انتخاب" رئیس جمهور آماده میکند. در مملکتی که آزادی بیان وجود ندارد، در مملکتی که کارگش را بخاطر برگزاری مراسم اول ماه محاکمه میکنند و فعال حقوق کودک را دادگاهی میکنند، در مملکتی که زنان حق کاندید شدن ندارند، اطلاق نام "انتخابات" به این مضحکه، اهانت به مردم ایران است. قالب کردن این مراسم به نام "انتخابات"، حاصل آن هرچه باشد، معمم یا مکلا، زن یا مرد، یا ریش یا بی ریش، با اختیار یا بی اختیار، توهین به مردم ایران است.

این مراسم اعلام آشکار بی حقوقی مردم ایران تحت حاکمیت اسلام است. هر نوع کنار آمدن و شرکتی در این مضحکه پاشیدن خاک به چشم مردم و شرکت در سر پا نگاه داشتن جمهوری اسلامی است. مردم به این مضحکه انتخاباتی و رژیم اسلامی "نه" گفته و میگویند.

این رژیم قتل عام مخالفین

خود و کشتار و بی حقوقی مردم است. مردم ایران در ۲۵ سال گذشته و بخصوص این سالها در ۱۶ آذر ها، ۱۸ تیر ها، هشت مارس ها، در کوچه و خیابان و مدرسه و محل کار، در فستیوال آدمک برفی ها، در اعتصابات کارگری، با سر دادن شعار "آزادی و برابری"، با اعتراض علیه اعدام و سنگسار و خشونت، و در زندگی روزمره ضد اسلامی شان، انتخاب خود را کرده اند. انتخاب مردم ایران رفتن جمهوری اسلامی بود است. مردم به رژیم "نه" گفته اند.

مردم!

انتخابات با وجود جمهوری اسلامی معنی ندارد. تنها بعد از رفتن جمهوری اسلامی امکان واقعی برای انتخاب نظام آینده حکومتی ایران میتواند فراهم شود. وجود یک دولت فوق ارتجاعی، وجود سپاه پاسداران، ارتش، وزارت اطلاعات، گله انصار الله و دستگاه مذهبی منافی ابتدائی ترین حق انسان برای هر انتخاباتی است. انتخابات امری مربوط به بعد از

دارودسته های نظامی و شبه نظامی وابسته به جمهوری اسلامی! قیام برای تصرف کلیه موقوفات و اموال و دارائی های نهادهای سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک اسلامی، اموال سران جمهوری اسلامی، حوزه های "علمیه" و نهادهای مدارس اسلامی و استفاده از آنها برای رفع نیازهای مادی، معنوی، تفریحی، سیاسی و اجتماعی مردم. قیام برای دستگیری سران جمهوری اسلامی، قیام برای آزادی همه زندانیان سیاسی، تحمیل آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان و ممنوع کردن اعدام! قیام برای جمع کردن بساط زن ستیزی و کوتاه کردن دست اسلام از زندگی مردم! قیام برای دادن حق انتخاب به مردم. این سریع ترین، کم درد ترین و متمدانه ترین راه برای بدست گرفتن سرنوشت خود است. این حکومت و این نظام و این دارودسته های تا دندان مسلح اسلامی و قومی جز با قیام ما از میدان خارج نخواهند شد.

مردم! پاسخ ما به رژیم، قیام است. قیام برای خلع سلاح سپاه پاسداران و ارتش و کلیه

انتخابات با وجود جمهوری اسلامی معنی ندارد. تنها بعد از رفتن جمهوری اسلامی امکان واقعی برای انتخاب نظام آینده حکومتی ایران میتواند فراهم شود. وجود یک دولت فوق ارتجاعی، وجود سپاه پاسداران، ارتش، وزارت اطلاعات، گله انصار الله و دستگاه مذهبی منافی ابتدائی ترین حق انسان برای هر انتخاباتی است. انتخابات امری مربوط به بعد از

روز جدید گره خوردن این ناسیونالیسم با سیاست خارجی آمریکا و ماجراجویی های نظامی آن. در خوزستان، جریانات قوم پرست عرب حاشیه ای تر هستند و دامنه عمل آن ها کمتر است.

کمونیست: منشور سرنگونی جمهوری اسلامی حزب

کامل بنیاد ها مدنی جامعه، عراقیزه شدن و رواندائی شدن جامعه ایران و یا ادامه نکتت جمهوری اسلامی در هم کوبیدن دستگاه دولت و ابزار و ادوات سرکوب آن است. این هم تنها توسط قیام مردم عملی است. در غیاب چنین سرنگونی میدان باری همه نیروهای ماجراجو، قوم

دوم اینکه فکر میکنم که مساله در کردستان حساس تر است. به دلیل سابقه آن، وجود احزاب ناسیونالیست قوام گرفته، وجود جریانات قوم پرست و فاشیستی و وجود یک جنبش ناسیونالیستی جا افتاده و

به سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست به پیوندید!

زنده باد اول مه روز جهانی کارگران!

در مراسم، مارش و میتینگهای کارگران شرکت، کنید!

آلمان: کلن: غرفه و چادر حزب حکمتیست در محل میتینگ

سخنرانی و جشن: سخنرانان: طاهر حسن و همایون گداگر

۳ KÖLN, Alt, feuerwache, Milchior str.

inie Nr. 5.6.12.16.17.18.19, Bahnhofstetelle: Ebertplatz, Neusser str

تلفن تماس: محمود رضا طاهری ۰۱۷۴۸۴۸۶۰۵۰

در برلین، کاسل و هامبورگ میز کتاب و غرفه برگزار خواهد شد!

انگلستان: لندن: شرکت در مارش کارگران: تجمع ۱۰ صبح در نزدیکی کتابخانه مارکس و ساعت ۱۲ ظهر بسوی ترافالگار.

Clerkenwell Green,

جلسه و جشن: یکشنبه ۱ مه ورود به سالن ساعت ۶: West Library, Bridgeman Road, Off Caledonian Road, London N1 1BD

Nearest Tube: Caledonian Road
Nearest British Rail: Caledonian Road & Bransburys

تلفن تماس ۰۷۹۳۹۵۴۶۷۳۶ ۰۷۷۹۱۰۸۹۴۸۷

سوئد: استکهلم: سخنرانی سلام زیچی

شرکت در مارش: شنبه ۳۰ آوریل جشن بمناسبت روز جهانی کارگر از ساعت ۱۱ بعد، در محل لوکال HUSBY

یکشنبه ۱ مه شرکت در مارش کارگران، میز کتاب حزب Kungsträdgården

یوتوبوری: جمعه ۲۹ آوریل، جشن بمناسبت روز جهانی کارگر از ساعت ۱۱ بعد، آدرس folkethushamarkulan

یکشنبه ۱ مه شرکت در مارش کارگران در jarntorget

اوپسالا: یکشنبه ۱ مه شرکت و سخنرانی در مارش کارگران

وستروس: یکشنبه ۱ مه، شرکت در مارش کارگران و میز کتاب حزب در محل میتینگ اول مه

لینشوپینگ، یکشنبه ۱ مه: شرکت در مارش کارگران و پخش اطلاعاتی و ادبیات حزب در محل میتینگ

مالمو، یکشنبه ۱ مه: شرکت در مارش کارگران و میز کتاب حزب در محل میتینگ اول مه تلفین: ۰۷۳۵۵۴۷۴۰۱ ۰۷۳۶۲۲۷۹۵۹

نروژ: اسلو: غرفه و میز اطلاعاتی حزب در محل میتینگ ادرس: jongs torget از ساعت ۱۰ صبح تلفن تماس ۹۲۰۶۲۵۴۱

هلند: روتردام: یکشنبه ۱ مه ساعت شرکت در مارش کارگران: محل ستاد هاوس کوولسینگل ۴۰ روتردام

کانادا: تورنتو: جلسه و جشن شنبه ۳۰ آوریل: سخنرانان ینار محمد سعید کرامت فوزیه خالدیان امجد علی

آدرس: Oakridge Community Recreation Centre

63 Pharmacy Ave (Danforth and Pharmacy)

بلژک: بروکسل: غرفه و میز کتاب حزب حکمتیست در میتینگ مراسم اول ماه مه در شهر CHARLEROI شاقلووا در میدان مرکزی شهر. تلفن تماس کیوان آذری ۰۰۳۲۴۸۴۷۴۷۳۱۱

دانمارک: کپنهاگ: شرکت و برگزاری غرفه در تجمع بزرگ اول ماه مه در پارک بزرگ فله پارکن تلفن ۰۰۴۵۲۶۵۹۰۹۱

فنلاند: هلسینگی، واسکولا، تورکو: شرکت در مارش کارگران، میز کتاب شرکت در مراسم اول مه و سخنرانی خالد

از صفحه ۱

حیات رژیم، سرنگون نشدن آن توسط قیام مردم و واگذار کردن آینده به سیر خود به خودی اوضاع فرصتی را برای جریانات راست و قوم پرست فراهم میکند که سعی میکنند از آن استفاده کنند. هرچه سرنگونی رژیم عقب بیفتد، هر چقدر کمونیست ها از ایفای نقش خود در سازماندهی و رهبری مردم برای یک قیام عقب بمانند، راست پیشروی میکند و همراه آن کل جریانات فاشیستی و ارتجاعی میتوانند جا باز کنند.

کمونیست: جریانهای سیاسی منتسب به این گرایش ناسیونالیستی سری تو سرها در آورده اند. رسانه ها سراغ این جریانات میروند. خود رژیم هم به عبارات "قوم های ایران" و "اعراب ایران" پناه آورده است. وزیر دفاع با روسای عشاير خوزستان به مذاکره پرداخته است. سیکلی دارد به راه میافتد. چرا؟ چه نفعی از بازی با "قوم ها" میبینند؟ دنبال چی هستند؟

کوروش مدرسی: دنبال باز کردن امکان قومی کردن ایران در صورت سقوط جمهوری اسلامی. کل نیروهای سیاسی که "قوم" را مبنای زندگی و مبارزه مردم قلمداد میکنند یا بخشی از جنبش ناسیونالیستی و جریانات قوم پرست هستند یا زورنالیسم نوکری که به تبعیت از منفعت دولت ها حاضرند ایران را به یک عراق یا رواندا ی دیگر تبدیل کنند تا مبادا مردم ایران دستگاه دولت جمهوری اسلامی را در هم بکوبند و سرنوش خود را بدست بگیرند. برای تشخیص درجه "وجدان" اینها یادان باشد که این زورنالیست های "محترم" همانها هستند که در افغانستان بن لادن ها را مسلح کردند و کثیف ترین جریانات اسلامی را بعنوان "مبارزین آزادی افغانستان" به مردم دنیا معرفی کردند و هنوز هم از رو نرفته اند و این کار را میکنند.

کمونیست: در بررسی های "عمیق تر" به دلایل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی میردازند. خودی های رژیم به محرومیت مثلا همین خوزستان و اهواز اشاره دارند

و دلجویی و جبران مافات. خود رژیم چقدر زمینه ساز این رویدادها و کشمکشهاست؟

کوروش مدرسی: اشاره کردم مینا وجود جمهوری اسلامی است. تحریکات قومی در یک نظام آزاد و برابر، مثلا در جامعه سوسیالیستی که ما میخواهیم بوجود آوریم، کارائی زیادی ندارد. قوم پرستی مرض اجتماعی است که کسانی میگیرند که در جامعه "آلوده" زندگی میکنند. منبع و منشأ این آلودگی در ایران بیش از هر چیز جمهوری اسلامی است. اما جالب این است که وقتی میگویند که قرار است رژیم اسلامی "دلجویی" کند، قرار نیست جمهوری اسلامی به مردم "کمی" آزادی بدهد، حقوق کارگران را افزایش دهد، نسبت به حقوق کودکان کاری بکند و یا در زندگی مردم دخالت کمتری بکند. نه، بحث بر سر اینها نیست. بحث بر سر دلجویی مردم نیست. بحث بر سر دلجویی از قوم پرستان و آوانس دادن به قوم پرستی است و ربطی به مردم ندارد. "دلجویی" جمهوری اسلامی بعضا شعار خود قوم پرستان هم هست که داد میزنند "ما را دریابید" و "دلمان را بجویند".

طی این "دلجویی" قرار نیست جمهوری اسلامی کاری برای مردم بکند، قرار است تحصیلکردگان نا راضی قوم پرست را کمی بازی بدهد. همین. و متأسفانه این "دلجویی" ها کار را بدتر میکند. این دلجویی از وپروس مرض قوم پرستی است.

کمونیست: اما مردم؛ تحرک اخیرشان خودجوش بود. چیست که آنها را به خیابانها میکشاند؟ آیا فقط یک بهانه صرف را در هوا قاپ زدند تا درد دیگری را فریاد بزنند؟ یا تعلقات ملیگرایانه است که بیرون میزند؟ ما داریم رادیکالیسم و "زبلی" مردم را دست کم میگیریم و یا تعلقات ملیشان را؟

کوروش مدرسی: به اعتقاد من مردم دنبال مفری برای اعتراض علیه جمهوری اسلامی میگردند و شما در جامعه ایران هر اعتراضی که به رژیم داشته باشید به سرعت به رو در روئی با نیروهای آن میکشد. این ویژگی دوران کنونی و تبدیل

شدن سرنگونی به بستر اعتراض عمومی علیه جمهوری اسلامی است. دیگر رسماً معلوم شده است قرار نیست از خود رژیم کسی مبنای تغییر آن باشد. این معنای سیاسی شکست دو خرداد است. اما این نیمی از حقیقت است. نیم دیگر حقیقت این است که مردم هنوز پرچم روشنی برای سرنگونی جمهوری اسلامی را انتخاب نکرده اند. جنبش سرنگونی هنوز پرچم و رهبر خود را ندارد. در میدان سیاست ایران از پرچم ما که سرنگونی کامل جمهوری اسلامی و تضمین حق مردم در انتخاب آزاد و آگاه نظام آینده ایران در صدر وظایف خود قرار داده است تا ایوبیسیون راست که از ترس مردم تلاش دارد تا زیر پرچم رفتارند با دستگاه دولتی جمهوری اسلامی سازشی را شکل دهد و تا جریانات قوم پرست و فاشیست و ماجراجو در میدان هستند. در سیاست "زبلی" نمیشود کرد. به این فرصت طلبی میگویند. کسانی هستند که فکر کنند حتی اگر به بهانه شعار های فاشیستی بشود مردم را به خیابان آورد مهم نیست. اما این یک کوه بینی و فرصت طلبی کامل است که به عروج همان شعارهای فاشیستی میدان میدهد که در چنین تحرک اجتماعی باد میخورد بالا می آید و دامنه عمل آن افزایش پیدا میکند. باید در چشم مردم نگاه کرد و حقیقت را به آنها گفت: مردم باید انتخاب سیاسی شان را بکنند. ما سعی میکنیم این انتخاب را برای مردم ساده تر کنیم. اما به هر صورت در غیاب حساسیت کافی به تحرکات قوم پرستانه، مردم میتوانند تحت تاثیر قرار بگیرند.

کمونیست: در مورد مربوط به کردستان، حزب حکمتیست واکنش فوق العاده و فوری داشت. چرا در مورد رویدادهای اهواز بدینگونه عمل نکردید؟ کوروش مدرسی: چند دلیل داشت. یکی اینکه در مقطعی بود که کل رهبری "نشسته" حزب، اصلاً نشسته نبود و در ماموریت های تشکیلاتی متعدد بود و متأسفانه امکان عکس العمل سریع را نداشت.

صفحه ۳

تماس با دبیر تشکیلات
خارج کشور
۰۰۴۹۱۷۳۸۱۷۲۵۱۸۵

حکمتیست

تشکیلات خارج کشور حزب
کمونیست کارگری عراق

صالح

تشکیلات خارج کشور حزب
کمونیست کارگری ایران -

مرگ بر جمهوری اسلامی - زنده باد جمهوری سوسیالیستی!